

Rahe Tudeh

راه توده

۶ دهه پیکار توده‌ای!

دوره دوم «۱۱۱» مهرماه ۱۳۸۰

گزارش‌دریافتی
از ایران:
مردم در
ایران به
حادثه
نیویورک
چگونه
می‌نگرند!

(ص ۴)

سخنرانی "رهبر"
از دل یک جلسه
پر تنش بیرون آمد!

در جلسه شورای عالی امنیت ملی طرح
دوری از تنش با آمریکا و دفاع از منافع
ملی را خاتمی عنوان کرد و فرمانده سپاه
پاسداران طرح دفاع نظامی از طالبان را!

(ص ۴۰)

برج
دو قلوی
آیت‌الله
مهدوی‌کنی
در قلب
تهران بزرگ

(ص ۱۰)

خطر رو به افزایش حمله نظامی به ایران

آنچه که در نیویورک و واشنگتن روی داد و تحت عنوان عملیات تروریستی در آمریکا شهرت یافت، فصل جدیدی را در جهان رقم زد. مقدمات آغاز این فصل با فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد فراهم شد. پایان جنگ سرد، سرآغاز جنگ‌های منطقه‌ای در گوشه و کنار جهان بر سر تقسیم غنائم پیروزی در این جنگ بین اعضای پیمان نظامی ناتو بود، که اکنون در قامت یک جنگ متکی به پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی (حتی "هسته‌ای") و در زیر آتش پر قدرت تبلیغات فاشیستی "نژادی-مذهبی" پیش برده می‌شود.

بنابراین، حوادث نیویورک و واشنگتن را هرگز نباید و نمی‌توان یک رویداد مهیب تروریستی به مفهومی که آمریکا و کشورهای عضو ناتو آن را تبلیغ می‌کنند باز شناخت و تسلیم بمباران تبلیغاتی شبکه‌های عظیم خبری-تلویزیونی آمریکا در این زمینه شد.

آن اراده خلل ناپذیری که بی‌اعتناء به تمامی رسوایی‌های ناشی از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، "جورج دبلیو بوش" راه پس از یک دوره طولانی کشاکش‌های حقوقی بر سر شمارش آراء ایالت "میامی" و شمارش آراء صندوق‌های خارج از خاک ایالات متحده به کاخ سفید واشنگتن فرستاد، برای پیشبرد استراتژی نظامی-سیاسی جدید آمریکا در سطح جهانی موانع موجود بر سر راه اجرای این استراتژی را می‌خواست از سر راه خود بردارد و چنین نیز کرد. حوادث نیویورک و واشنگتن که جهان را در حیرت و ناباوری فرو برد، ادامه همان عزم راسخ برای پیشبرد استراتژی نظامی-سیاسی جدید آمریکا در سطح جهانی بود!

رکود اقتصادی ماه‌های اخیر در آمریکا و کاهش شدید رشد اقتصادی ۹ ساله اخیر آمریکا (دوران پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم) به طراحان استراتژی جدید آمریکا، که نمایندگان و مجریان آن در کابینه نیمه نظامی "جورج دبلیو بوش" حضور دارند، امکان و ضرورت شتاب را دیکته کرد!

در این استراتژی، برتری منافع (غارت) جهانی آمریکا بر منافع کشورهای بزرگ سرمایه‌داری عضو پیمان نظامی ناتو قرار دارد و این خود به معنای رشد تضاد میان کشورهای بزرگ سرمایه‌داری است که حتی علیرغم همنوایی‌های اخیر کشورهای اروپایی عضو ناتو با آمریکا، گرچه کم‌رنگ، اما آشکارا خود را نشان می‌دهد! از همان نخستین ساعات رویدادهای تروریستی نیویورک و واشنگتن، توپخانه‌های پر قدرت تبلیغاتی

آمریکا منطقه‌ای را نشانه گرفتند که کشور ما در آن قرار دارد. منطقه‌ای که نفت و گاز، پول و بازار در آن قرار دارد و برتری و تسلط آمریکا بر جهان و حتی دیکته سیاست‌های خود به کشورهای بزرگ سرمایه‌داری عضو ناتو جز با تسلط بر آن ممکن نیست! همچنان که جلوگیری از رکود اقتصادی و رفتن به سوی رشد اقتصادی در ایالات متحده جز با جنگ اندازی به منافع (غارت) سرمایه‌داری کشورهای اروپایی و نظامی کردن اقتصاد آمریکا ناممکن است و این درست همان انگیزه‌های اساسی و پایه‌ای دو جنگ اول و دوم جهانی بود. (بقیه ص ۲)

"لاریجانی"
و تقلید از
"ریگان"

(ص ۱۵)

حقانی‌ها

از پیشاور تا ایران

(ص ۳۲)

ضرورت اتحاد در برابر آمریکا

(ص ۲۶)

پیوند لژهای سبز ج.ا. با اخوان المسلمین

(ص ۲۹)

تشویق ارتجاع مذهبی در آمریکا

(ص ۵)